

علم اصول الفقه

۲۲

۹-۸-۱۹ پیدایش علم اصول

دراسات الاستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

بازگشت به مبانی سید مرتضی

- ممیزه و مشخصه‌ی مشترک بین ابن ادریس و سید بن زهره، بازگشت هر دوی آنها به مبانی سید مرتضی است. آنها با احیای دیدگاه سید مرتضی، در مقابل شیخ طوسی قد علم می‌کنند. آن دیدگاهی که مهم است و روی آن تأکید دارند، مسأله‌ی حجیت خبر واحد است. ابن ادریس و سید بن زهره همانند سید مرتضی معتقدند که خبر واحد حجت نیست.
- طبرسی هم که در همین دوران بعد از شیخ زندگی می‌کرد و در ۵۴۸ هـ. ق از دنیا رفته، دیدگاه نفی حجیت خبر واحد را دارد.

بازگشت به مبانی سید مرتضی

- سید بن زهره در کتاب مهم خویش، غنیه، فصلی را که خود به منزله‌ی یک کتاب است، به اصول اختصاص داده و یک دوره اصول را مطرح کرده است. یک پنجم ابتدای غنیه در مورد اصول و چهار پنجم بقیه مربوط به فقه است.

بازگشت به مبانی سید مرتضی

- وی از آنجا که مبحثی مستقل در اصول دارد، به همه‌ی دیدگاه‌ها و استدلال‌های اصولی شیخ می‌پردازد و آنها را نقد می‌نماید. ترتیب بحث‌های اصولی او، ترتیبی است که سید مرتضی اتخاذ کرده است. یعنی مباحث اخبار بعد از مباحث الفاظ و تقریباً در آخر قسمت اصول کتابش قرار دارد.

بازگشت به مبانی سید مرتضی

- البته ابن زهره هم در فقه و هم در اصول به اظهار نظر در مقابل شیخ طوسی می‌پردازد و بعضی مبانی اصلی و کلیدی شیخ را نمی‌پذیرد و آنها را رد می‌نماید. او در غنیه به مسأله‌ی رد حجیت خبر واحد می‌پردازد و می‌گوید: التعبد فی العمل بخبر الواحد لم یرد الشرع به (ابن زهره، الغنیه، صص ۴۵۷ - ۴۷۷).

بازگشت به مبانی سید مرتضی

- اثر ابن ادریس، یعنی سرائر، فقط در فقه است؛ اگر چه مبانی اصولی خویش را در لابه-لای بحث‌های فقهی خویش مطرح نموده است. ابن ادریس در نقد آرای شیخ فقط به بحث حجیت خبر واحد پرداخته و مباحث دیگر شیخ را نقل و نقد ننموده است.

بازگشت به مبانی سید مرتضی

- علی رغم توجه سید بن زهره به تمام آرای شیخ طوسی و طرح تمامی مباحث اصول در فصل جداگانه‌ای از کتاب خویش، مشهور بین علما این است که ابن ادریس اولین شخص در پایان دادن دوران رکود است.

بازگشت به مبانی سید مرتضی

- اما همان گونه که قبلاً نیز گفتیم، به لحاظ علمی ابن زهره بر ابن ادریس تقدم دارد. ابن زهره سیزده سال قبل از ابن ادریس از دنیا می‌رود و ابن ادریس در هنگام نوشتن بخشی از سرائر وقتی به نام ابن زهره می‌رسد، عبارت رحمه الله را بعد از اسم او می‌آورد که نشانگر وفات ابن زهره در هنگام نگارش آن بخش از سرائر است.

بازگشت به مبانی سید مرتضی

- مرحوم سید محسن امین، ابن ادریس را به عنوان یکی از شاگردان ابن زهره معرفی کرده است.

بازگشت به مبانی سید مرتضی

- در حالی که آنچه از کلام ابن ادریس بر می آید، غیر این است. وی در مزارعه‌ی سرائر می‌گوید: والقائل بهذه القول السيد العلوي ابو المكارم بن زهره الحلبي شاهدته و رأيته و كاتبته و كاتبني و عرفته ما ذكره في تصنيفه من الخطأ فاعتذر رحمه الله باعذار غير واضحة [گوینده‌ی این قول سید بن زهره است، من او را دیدم او هم مرا دیده است، من برای او نامه نوشتم و او برای من، خطایی را که در نوشته‌اش بود، برایش گفتم و او عذرهایی آورد که واضح نبود].

بازگشت به مبانی سید مرتضی

- این عبارت نشان می‌دهد ابن ادریس خود را شاگرد ابن زهره نمی‌داند، بلکه او را معاصر خود می‌داند. درست است که ابن زهره از نظر سنی از ابن ادریس بزرگتر است و ابن ادریس هم او را دیده، اما از کلام ابن ادریس پیدا است که وی شاگردی ابن زهره را نکرده است.

بازگشت به مبانی سید مرتضی

- قابلیت‌های شخصی ابن ادریس امر بسیار مهمی در پیدایش کتاب سرائر است. وی در پنجاه و پنج سالگی از دنیا رفته و کتاب سرائر نشان می‌دهد او محقق بسیار سخت کوشی بوده است. اما در عین حال که فقیه قوی-ای است و یک شخصیت بزرگ علمی به حساب می‌آید، به دلیل گسترش کار، خطاهای فقهی و رجالی بسیاری دارد. روایاتی که وی در مستطرفات سرائر جمع کرده، نشان می‌دهد که او در فن روایت و رجال خیلی ضعیف بوده و طبقات را نمی‌شناخته است.

بازگشت به مبانی سید مرتضی

- هم ابن ادریس و هم ابن زهره با انکار حجیت خبر واحد، به مبانی سید مرتضی بازگشت می‌کنند و در واقع منشأ بسیاری از تفاوت‌های فتوایی و اختلاف در مسایل فقهی و اختلاف دیدگاه ابن ادریس و ابن زهره با شیخ طوسی همین انکار حجیت خبر واحد است. زیرا وقتی خبر واحد را حجت ندانیم، بخش وسیعی از مستندات فقهی تغییر خواهد کرد.

بازگشت به مبانی سید مرتضی

- ابن ادریس هم در مقدمه-ی سرائر و هم در طول مباحث سرائر، دایم به مسئله‌ی حجیت خبر واحد اشاره می‌کند و به شدت آن را انکار می‌نماید. او معتقد است خبر واحد هیچ ارزش و حجیتی ندارد، حال راوی هر که می‌خواهد، باشد.

بازگشت به مبانی سید مرتضی

- وی حتی به تبع سید مرتضی ادعای اجماع می‌کند که علمای امامیه قایل به حجیت خبر واحد نبودند. ابن ادریس مسأله‌ی حجیت خبر واحد را به عنوان عیبی بر شیخ طوسی قلمداد می‌کند. در نظر او شیخ بر خلاف فقهای شیعه خبر واحد را حجت دانسته است.

بازگشت به مبانی سید مرتضی

- بدین ترتیب دوران تجدید حیات علمی شیعه با بازگشت به مبانی سید مرتضی در مباحث اصولی آغاز می‌شود که صد سال کنار گذاشته بود.

بازگشت به مبانی سید مرتضی

- ما در خیلی از علوم مشابه همین حادثه را شاهدیم: دورانی اندیشه‌ای حاکم می‌گردد و سپس در دوران بعد دیدگاه مخالف با آن اندیشه پیدا می‌شود و بر اندیشه‌ی قبل غلبه می‌یابد. پس از مدتی، عده‌ای با بازگشت به همان دیدگاه و اندیشه‌ی قبلی، روح تازه‌ای به آن می‌دمند.

بازگشت به مبانی سید مرتضی

- در بسیاری از رشته‌های علوم و مکاتب هنری نئوکلاسیک‌ها (کلاسیک‌های جدید) وجود دارند که دوباره به رأی کلاسیک بازگشت کرده‌اند. مثلاً در هرمنوتیک که در مبانی تصدیقی به آن می‌پردازیم، همین روند وجود دارد. ابتدا هرمنوتیک با دانشمندان کلاسیک بر اساس مبانی خاصی شکل می‌گیرد. بعد دانشمندان و صاحب‌نظران با آرای کاملاً مخالف و بعد دوباره اندیشمندان زنده کننده‌ی همان مبانی کلاسیک بروز می‌یابند.

بازگشت به مبانی سید مرتضی

- اما باید توجه داشت نسل جدیدی که به حیات مبانی کهن کمک می‌کند، به تمام نتایج آن مبانی پای-بند نیست. به عبارت دیگر، بحث قبلی و اندیشه‌ی کهن با تمام خصوصیات زنده نمی‌شود.

بازگشت به مبانی سید مرتضی

• سید بن زهره و ابن ادریس هم درست است که در بحث حجیت خبر واحد و در روش بحثی خیلی به سید مرتضی نزدیک هستند، اما در فتاوی، تطابق کامل با او ندارند و به آن معنا مقلد سید مرتضی نیستند. مثل آنها مثل کسی نیست که مرجع تقلید عوض کرده باشد؛ بلکه در واقع دارای مبانی مستقل و دیدگاه‌های خاص به خود هستند.

بازگشت به مبانی سید مرتضی

- ابن ادریس موجب انتقال حوزه‌ی شیعه از نجف به حله می‌شود و ما بعد از ابن ادریس شاهد شکوفایی این حوزه در حله هستیم.

بازگشت به مبانی سید مرتضی

- اما در عین حال ابن ادریس موجب از بین رفتن تفکر شیخ نمی‌گردد. زیرا بعد از ابن ادریس ما دوباره شاهد رجوع علمایی چون محقق حلی (وفات : ۶۷۶ ه ق)، ابن سعید حلی (وفات : ۶۸۹ و یا ۶۹۰ ه ق)، علامه‌ی حلی، فخر المحققین، سید عمیدی و... به تفکر شیخ هستیم؛ علمایی که حوزه‌ی بسیار قوی حله با وجود آنها دوباره شکوفا می‌شود. آنها از تابعین شیخ به حساب می‌آیند هر چند خود نوآوری-هایی در فقه و اصول دارند.

بازگشت به مبانی سید مرتضی

- بدین ترتیب دیدگاه‌های ابن زهره و ابن ادریس که سر سلسله‌ی حرکت جدید اصولی و فقهی هستند، دوام نمی‌یابد و با رحلت ابن ادریس، دیدگاه سید مرتضی، یعنی عدم حجیت خبر واحد، رو به افول می‌گذارد. در واقع ابن ادریس آخرین شخصیتی است که دیدگاه سید مرتضی را مطرح کرده است.

تحلیلی از شهید صدر

- بیان کردیم ابن زهره و ابن ادریس از حیث زمان نزدیک هم بودند، ابن زهره در غنیه اصول شیخ طوسی و فقه او را طرح و نقد کرده و ابن ادریس نیز در سرائر به نقد فقه شیخ طوسی پرداخته و البته بحث‌های اصولی خود را در لابه-لای فقه مطرح کرده است.

تحلیلی از شهید صدر

- شهید صدر با توجه به این واقعه‌ی تاریخی نتیجه می‌گیرد که چون فقه و اصول با هم از رکود خارج می‌شوند، پس معلوم می‌گردد فقه و اصول با هم تعامل دارند، نیازهای فقهی فقیه او را وادار می‌کند بحث‌های اصولی را گسترش دهد و گسترش بحث‌های اصولی، امکان گسترش بحث‌های فقهی را فراهم می‌سازد. مسأله‌ی تأثیر و تأثر فقه و اصول، نکته‌ای است که شهید صدر دایم بر آن اصرار دارد.

تحلیلی از شهید صدر

- بدون شک بین فقہ و اصول یک رابطہ‌ی مستمر وجود داشته و داریم اینها در هم تأثیر و تأثر داشتند؛ ولی شهید صدر همانند تحلیلی که در اندیشه‌ی شیخ طوسی داشت، اعتقاد بر این دارد که ابتدا یک سری نیازهای فقهی پیدا می‌شود و سپس این نیازها، باعث گسترش مباحث اصول می‌گردد. آن وقت گسترش فقہ مرهون همین گسترش اصولی است.

تحلیلی از شهید صدر

- اما همان گونه که در قبل نیز گفتیم، این نظریه صد در صد قابل پذیرش نیست. در مورد ابن ادریس و ابن زهره هم همین طور است. ابن زهره ابتدا در غنیه یک دوره بحث اصولی دارد و مبانی شیخ را نقد می‌کند. در مباحث کلیدی، مثل مسأله‌ی حجیت خبر واحد، به سید مرتضی بازگشت می‌کند. او در پی این نقد وارد فقه می‌شود و صاحب دیدگاه‌هایی متفاوت با دیدگاه‌های شیخ طوسی می‌گردد.

تحلیلی از شهید صدر

- همین زمینه در اختیار ابن ادریس قرار دارد؛ زیرا ابن زهره را دیده با او مکاتبه داشته و از شخصیت او با خبر است. ابن ادریس فقه را توسعه می دهد.

تحلیلی از شهید صدر

- اگر چه مبسوط شیخ در زمان خودش مبسوط است، اما وقتی به سرائر می‌نگریم بحث‌های مبسوط در خیلی جاها نسبت به سرائر مختصر جلوه می‌کند. ابن ادریس خیلی مفصل‌تر به مباحث فقهی پرداخته است. چیزی را که شیخ در یک سطر بیان نموده و به ادعای خودش خیلی وارد مسایل ساده نشده، ابن ادریس صفحه‌ی بزرگی از سرائر را به آن اختصاص داده و با این حال می‌گوید: آنچه اینجا گفتم، مختصر مطالبی است که در این زمینه دارم و همه‌ی نوشته‌ی خویش در این زمینه را در سرائر نیاوردم.

تحلیلی از شهید صدر

- این توسعه‌ی علمی توسط ابن ادریس نشان دهنده‌ی سخت کوشی عجیب این شخصیت است.

محقق حلی، آغاز عصر شکوفایی

- در طبقه‌ی شاگردان ابن ادریس کسی را نمی‌یابیم که تألیف اصولی داشته باشد. در واقع بین ابن ادریس و شخصیت علمی مهم بعدی که در حلقه‌ی حوزہ‌ی حله پیدا شد، فتره‌ی خالی وجود دارد.

محقق حلی، آغاز عصر شکوفایی

- اولین شخصیتی که بعد از ابن ادریس، کارهای مهمی در فقه و اصول انجام داد، محقق حلی متولد سال ۶۰۲ هـ. ق - ۴ سال بعد از فوت ابن ادریس - و متوفای ۶۷۶ هـ. ق بود. محقق حلی از شاگرد شاگردان ابن ادریس به حساب می آید.

محقق حلی، آغاز عصر شکوفایی

• محقق حلی در معارج - مهم ترین اثر اصولی خود* - همانند ابن زهره، ترتیبی نزدیک به ترتیب سید مرتضی اخذ نموده است ولی از آنجا که در مسأله‌ی کلیدی حجیت خبر واحد با ابن زهره و ابن ادریس مخالفت می‌کرد و مشی شیخ طوسی را می‌پیمود، بحث تعادل و تراجیح را به تبع شیخ در بحث اخبار مطرح نمود.

• * ر.ک: محقق حلی، معارج الاصول، صص ۱۹ - ۲۰ و ص ۲۱ (مقدمه‌ی محمد حسین رضوی)؛ سید محمد باقر صدر، المعالم الجديدة، صص ۷۵ - ۷۶.

محقق حلی، آغاز عصر شکوفایی

- آنها که حجیت خبر واحد را قبول ندارند، نیازی به بحث تعادل و تراجیح و بحث تعارض اخبار احساس نمی‌کنند، اما در نظر آنها که خبر واحد حجیت است، این بحث از اهمیت زیادی برخوردار است.

محقق حلی، آغاز عصر شکوفایی

- یکی از ویژگی‌های معارج، تنقیح و تنظیم مطالب است. بحث‌های معارج نسبت به آنچه در کتاب‌های اصولی شیخ طوسی و سید مرتضی آمده، با دسته‌بندی بیشتر، عرضه و ارتباط مباحث اصولی خیلی راحت‌تر شده است.

محقق حلی، آغاز عصر شکوفایی

- «معتبر» و «شرائع» دو اثر مهم فقهی محقق حلی به حساب می آیند؛ به خصوص شرائع که حادثه‌ی بزرگی در مباحث فقهی است. تا ظهور شرائع، نهایی‌ی شیخ طوسی محور بحث‌های فقهی بود* اما با تألیف شرائع، به تعبیر علما این کتاب جایگزین نهایی شد. تفریعات بسیار زیاد شرائع نسبت به نهایی‌ی شیخ طوسی، نشان دهنده‌ی بسط اندیشه‌ی فقهی در زمان محقق حلی است که تقریباً با فاصله‌ی حدود دو قرن از زمان شیخ طوسی نوشته شده است.
- * محقق حلی تعلیقه‌ای بر نهایی دارد که در ضمن موسوعه‌ی «الجوامع الفقهية» چاپ شده است. ر.ک: الجوامع الفقهية، صص ۶۰۰ - ۶۹۸.

محقق حلی، آغاز عصر شکوفایی

- همزمان با محقق حلی، پسر عموی او یحیی بن سعید حلی (متوفای ۶۹۰ هـ. ق) شخصیت فقهی و اصولی دیگری است که کتاب «الجامع للشرائع» را در فقه و کتاب «المدخل فی اصول الفقه» را در اصول فقه نگاشت. او از نظر علمی با محقق حلی قابل مقایسه نبود و چندان آثارش مورد توجه قرار نگرفته است. بله احیاناً کتاب-هایش مورد مراجعه‌ی علما بوده است.

علامه حلی

- علامه حلی (۶۴۸ - ۷۲۶)، خواهرزاده و شاگرد محقق حلی، بعد از محقق حلی چندین کتاب در زمینه‌ی اصول نوشت. ویژگی-هایی در علامه حلی سبب بروز ابداعاتی از او شده است:

. ر.ک: علامه حلی، مبادی الوصول الی علم الاصول، صص ۱۴ - ۱۵ و صص ۳۳ - ۳۴ (مقدمه‌ی محقق عبد الحسین محمد علی البقال).

علامه حلی

- أ. پرورش در خانواده‌ی اهل علم
- پدر علامه، سدید الدین مطهر حلی بود. دایی او محقق حلی از شخصیت‌های بزرگ علمی به شمار می‌آمد. دیگرانی نیز در همین فامیل بودند که از اساتید و مدرسان حوزه‌ی حله محسوب می‌شدند.

علامه حلی

- علامه حلی از دوران کودکی از اساتید مختلفی در خانه و خانواده بهره برد و مشهور است قبل از رسیدن به بلوغ، مجتهد بود و عده‌ای تقلید از او را بعد از به بلوغ رسیدن، انتظار می‌کشیدند. حال این قصه چه اندازه درست باشد، اهمیت ندارد؛ آنچه مهم است امکانات علمی خوب فراهم شده برای علامه حلی است.

علامه حلی

- ب. شاگردی در نزد علمای سنی
- علامه‌ی حلی غیر از اساتید بزرگ شیعه چون خواجه نصیر الدین طوسی و محقق حلی، نزد اساتید سنی نیز شاگردی کرده است. اساتیدی چون علی بن عمر کاتبی قزوینی که یک عالم شافعی و از علمای بزرگ و مؤلف شمسیه در منطق است و شیخ تقی الدین صباغ که یک عالم حنفی است، از جمله اساتید سنی او به شمار می‌آمدند. علامه حلی مستقیماً از علمای مذاهب استفاده کرده و همین مطلب در آثار او تأثیر به‌سزایی داشته است.

علامه حلی

- ج. گستردگی دانش علامه نسبت به علوم مختلف
- وقتی نگاه خویش را از محقق حلی که آثاری در فقه اصول دارد و تعداد نوشته‌های او زیاد هم نیست، بر می‌داریم و بر علامه حلی نظر می‌افکنیم، او را یک دائرة المعارف می‌یابیم. حدود صد عنوان کتاب در علوم مختلف: منطق کلام، فلسفه، فقه، رجال، اصول. در زمینه‌ی انواع دانش‌های دینی به رشته‌ی تحریر در آورده است که برخی نه یک کتاب که چندین و چند جلد می‌باشند.

علامه حلی

- علامه در طول هفتاد و چند سال زندگی خویش، بیش از تعداد سنین زندگی اش کتاب نوشته که برخی از آنها به چاپ امروز دهها جلد می شود. اطلاعات وسیع علامه نیز در اصول او آنچنان تأثیر دارد که موجب تفاوت اصول او با اصول های قبلی می گردد.

علامه حلی

- د. امکان سفر به همراهی شاگردان
- علامه سفرهای زیادی داشت و نقل شده با مدرسه‌ای سیار یعنی شاگردان و کتابخانه‌اش به سفر می‌رفت و در هر منزلی تدریس و تألیف و تحقیق را ادامه می‌داد. او می‌گفت و شاگردان می‌نوشتند و تحقیق می‌کردند. همین امر سبب تألیفات زیاد علامه است.

علامه حلی

- مجموعه‌ی این عوامل یعنی برخورداری از اساتید و علمای بزرگ، ارتباط با عالمان فراوان، اطلاعات وسیع، امکانات فراوان و برخورد با طوایف مختلف، باعث گردید علامه در مباحث مختلف صاحب نوآوری باشد.

علامه حلی

• علامه دارای خصوصیت اخلاقی ویژه‌ای بود. داستان زیر در رابطه با برخورد او با عالمان زمان خویش، بیانگر روحیه‌ی ویژه‌ی او است: از آنجا که نام پدر علامه مطهر بود، علامه حلی به ابن المطهر معروف شد. ابن تیمیه از علامه حلی به نام ابن المنجس یاد می‌کرد تا این که با علامه در مسجد الحرام برخورد می‌کند. بین آن دو بحثی در می‌گیرد. ابن تیمیه وقتی دانش و تسلط علامه را می‌بیند، خیلی تحت تأثیر قرار می‌گیرد. از این روی می‌پرسد: شما که هستید؟ علامه در جواب می‌گوید: همان که اسمش را ابن المنجس گذاشتی (این عبارت علامه معلوم می‌کند که کتاب ابن تیمیه را خوانده بوده است). ابن تیمیه از آن پس با این شخصیت شیعی رفیق می‌شود و بعدها با علامه مکاتبات و مراوداتی هم داشته است.

علامه حلی

- کارهای اصولی علامه حلی و ویژگی‌های آن
- اصول علامه بر اثر ابداعاتی که علامه در زمینه‌ی این علم از خود نشان داده است، ویژگی-هایی دارد:

. در زمینه‌ی ویژگی‌های آثار اصولی علامه مراجعه کنید به: مبادی الوصول الی علم الاصول، صص ۲۹ - ۳۰ و ۳۴ (مقدمه‌ی محقق).

علامه حلی

- ا. اضافه کردن بحث منطقی الفاظ به مقدمه‌ی علم اصول فقه
- علامه‌ی حلی بر دانش‌های مختلفی تسلط داشت. به همین دلیل در هنگام ورود به بحث‌های اصولی، از اطلاعات خود در دانش‌های دیگر که به بحث اصولی مورد نظر ارتباط داشت، استفاده می‌نمود.

علامه حلی

- علامه در بخش مقدمات علم اصول که در کتاب‌های سید مرتضی، شیخ طوسی، ابن زهره و محقق حلی نسبتاً خیلی مختصر مطرح شده و کمتر حاوی بحث‌های منطقی مباحث الفاظ است، بحث‌هایی را که در منطق وجود دارد و در اصول هم کاربردهایی پیدا می‌کند، برای اولین بار طرح می‌نماید و در واقع توسعه‌ای به بحث‌های اصولی می‌دهد.
- این کار شاید از مهمترین کارهای اصولی علامه باشد.

علامه حلی

- ب: توسعه در بحث تعادل و ترجیح
- یکی دیگر از کارهایی که در کارهای اصولی علامه قابل توجه است، جدا کردن بحث تعارض از بحث اخبار است. در آثار شیخ طوسی و به تبع او محقق حلی تعادل و ترجیح در انتهای بحث اخبار مطرح شده بود و مؤلفانی چون ابن ادریس و ابن زهره که اصلاً معتقد به خبر واحد نبودند، یادی از این بحث نکرده بودند.

علامه حلی

- علامه حلی اولین کسی بود که این بحث را از بحث اخبار جدا کرد. این امر باعث شد که علامه تعارض را در دایره‌ی وسیع‌تری مطرح نماید و به جای تعارض در اخبار که قبل از او طرح شده بود، بحث تعارض ادله را که قهراً بخشی از آن، تعارض اخبار است، مورد ارزیابی قرار دهد.

علامه حلی

- بحث علامه، خیلی بعد از وی در آثار دیگران مثل آثار شهید صدر مورد عنایت قرار می-گیرد. علمای اصول معاصر و متأخر در بحث تعادل و ترجیح اموری را بحث می‌کنند که قابل جمع عرفی نباشد، یعنی بحث تعارض را در عام و خاص، مطلق و مقید، حاکم و محکوم، وارد و ورود طرح نمی‌کنند؛

علامه حلی

- اما شهید صدر تعارض را به دو قسم تقسیم می‌نماید: تعارض مستقر و تعارض غیر مستقر.
- تعارض غیر مستقر آن تعارضی است که جمع عرفی ندارد و به اصطلاح دیگران تعارض بدوی است.
- وی (شهید صدر) در ذیل تعارض غیر مستقر عام و خاص، مقید و مطلق، حاکم و محکوم و وارد و مورود را بحث می‌کند.

علامه حلی

- قبل از شهید صدر این مباحث در آثار علامه‌ی حلی وجود دارد. علامه‌ی حلی:
- اولاً بحث تعارض را از تعارض اخبار به تعارض ادله توسعه می‌دهد
- و ثانیاً تعارض را در هر دو قسم یعنی تعارض مستقر و غیر مستقر مورد مطالعه قرار می‌دهد.

علامه حلی

- البته او عیناً از همین اصطلاحات بهره نمی‌گیرد، اما تعارض در موارد عام و خاص، مطلق و مقید، مجمل و مبین... را در اصول خود می‌آورد.
- در عین حال آنچه او طرح می‌کند، مورد غفلت علمای دیگر قرار می‌گیرد تا این که توسط شهید صدر احیا می‌شود.

از علامه حلی تا صاحب معالم

- بعد از علامه حلی، شاگردان علامه، شارحان کتاب‌های او هستند. طبقه‌ای از شاگردان در زیر نظر استاد خویش پرورش یافته و کتاب‌های متعدد - و از جمله‌ی آنها آثار اصولی - وی را شرح کرده‌اند.

از علامه حلی تا صاحب معالم

- برخی از این شاگردان عبارتند از:
- سید عمید الدین عبد المطلب بن محمد اعرجی حسینی، خواهر زاده‌ی خود علامه و شارح کتاب «تهذیب الاصول»
- محمد بن علی بن محمد جرجانی غروی، شارح «مبانی الوصول الی علم الاصول»
- شیخ علی بن حسن امامی شارح دیگر «مبانی الوصول الی علم الاصول»

از علامه حلی تا صاحب معالم

- یکی دیگر از شاگردان علامه فرزندش، فخر المحققین (۶۸۲ - ۷۷۱) است.
- وی اگر چه خود صاحب تألیف اصولی نیست، ولی شاگرد او محمد بن مکی العاملی الجزینی، شهید اول (شهادت در سال ۷۸۶ هـ. ق.)، تا حدی در اصول کار کرده است. وی در اول کتاب ذکری که در زمینه‌ی فقه است، مطلب مختصری در مورد اصول آورده است. اثر دیگر این مؤلف، «قواعد و فوائد» است که در بردارنده‌ی مباحث اصولی و قواعد فقهی است. این کتاب اصلاً تنظیم خاصی ندارد. کشکول گونه‌ای است که قواعد و فوائد مختلف را بدون ترتیب خاص در خود جمع کرده است. شاید بتوان شهید اول را به عنوان مبتکر بحث قواعد فقهی به صورت مستقل دانست.

از علامه حلی تا صاحب معالم

- شیخ زین الدین بن علی العاملی الجبعی، شهید ثانی (شهادت در سال ۹۶۶ هـ. ق)، راه شهید اول را در «تمهید القواعد» ادامه داد. این کتاب نیز در زمینه‌ی قواعد فقهی است.

از علامه حلی تا صاحب معالم

- بعد از کتاب‌های مختصری که در زمینه‌ی اصول تألیف گشت و احياناً حاشیه‌هایی بر کتب اصولی دیگر بود، اصول مهمی که ظهور می‌یابد، کتاب «معالم الاصول» نوشته‌ی پسر شهید ثانی، شیخ حسن بن زین الدین (متوفای سال ۱۰۱۱ هـ. ق) است. معالم الاصول در واقع مقدمه‌ی کتاب فقهی «معالم الدین» است که بعد از کتاب عمیدی (شرح تهذیب الاصول علامه) و بعد از کتاب‌های اصول ابن حاجب و عضدی، از علمای اهل سنت، به عنوان کتاب درسی مطرح گشت. معالم بعد از آثار علامه، یک کتاب تأسیسی به شمار می‌آید.

از علامه حلی تا صاحب معالم

- شیخ بهایی (متوفای ۱۰۳۱) و فاضل تونی از معاصران صاحب معالم بودند که در زمینه-ی اصول آثار ارزشمندی داشتند. شیخ بهایی، صاحب کتاب «زبدۃ الاصول» است که به دلیل اختصار و اتقان از کتاب‌های مهم اصولی به حساب می‌آید و فاضل تونی، صاحب کتاب وافیه است که این کتاب نیز از آثار اصولی قابل توجه است.

از علامه حلی تا صاحب معالم

- . ربک: سید محسن امین، اعیان الشیعة، ج ۱، ص ۱۳۸.
- . ربک: علامه حلی، مبادئ الوصول الى علم الاصول، ص ۱۶ (مقدمه‌ی محقق).
- . در بحث‌های آینده تفاوت قواعد فقهی و مسایل اصول را بیان می‌کنیم.
- . ربک: سید محسن امین، اعیان الشیعة، ج ۱، ص ۱۳۸.
- . ربک: سید محسن امین، اعیان الشیعة، ج ۱، ص ۱۳۸.